

گفتگو با استاد

محمد حسین فضل الله

محمد جواد عظیمی



آینه پژوهش: در ابتدا ضمن تشکر از اینکه قبولی زحمت فرمودید از شما خواهش می‌کنیم نمایی از آثار تحقیقاتی خود را برای ما تصویر فرمایید.

استاد: البته من با تأسف اعتراف می‌کنم که برایم آن فرصت لازم برای تحقیقات دلخواه پیش نیامده است؛ گرفتاریها و مشغولیات گوناگون چندان فرصتی برای من نگذاشته تا آنچه را که در عالم تحقیق و در عرصه فرهنگ اسلامی به آن می‌اندیشم، عملی سازم. من هیچ‌گاه به آثار و تألیفات خودم به عنوان نهایت راهی که می‌بایست بروم نگاه نکرده‌ام. آنچه تاکنون از تألیفات من منتشر شده عبارت است از:

«من و وحی القرآن» که نوعی تفسیر تازه از قرآن کریم است در ۲۵ جلد که تألیف و نشر آن به پایان رسیده است. همچنین کتابهای «الحسوار فی القرآن»، «خطوات علی طریق الاسلام»، «اسلوب الدعوة فی القرآن»، «قضایانا علی ضوء الاسلام»، «مفاهیم اسلامیة عامة»، و سه دیوان شعر که عبارتند از:

۱ - دیوان فی ظلال الاسلام

علامه سید محمد حسین فضل الله به سال ۱۳۵۴ قمری در نجف اشرف دیده به جهان گشود. مقدمات و سطح را نزد پدر خویش (سید عبدالرزاق) فرا گرفت. پس از آن به درس خارج راه یافت و از محضر اساتیدی چون آیت الله حکیم، آیت الله شاهرودی و آیت الله خوئی بهره گرفت. همزمان با تحصیل، به تدریس نیز پرداخت و لمعه و رسائل و کفایه را درس گفت. استاد فضل الله همراه با تحصیل و تدریس، به تألیف نیز روی آورد و کتابهای متعددی نگاشت و با نشریات همکاری کرد. او به سال ۱۹۶۶م، به لبنان کوچید و حوزة عامیه ای به نام «المعهد الشرعی الاسلامی»، و سپس مدرسه ای به نام «مدرسة القرآن الکریم» بنیاد نهاد. استاد فضل الله سالهاست که در لبنان به تدریس خارج اصول و فقه اشتغال دارد. مبارزات سیاسی در لبنان، بخش دیگری از فعالیت‌های علامه فضل الله را تشکیل می‌دهد. وی از معدود افرادی است که «جهاد» و «اجتهاد» را در هم آمیخته و تنها به تحقیق بسنده نکرده و برای تحقق آرمانهای اسلامی نیز تلاش می‌کند.

آینه پژوهش محضر این دانشی مرد مبارز را سردمند دانست و با وی به گفتگو پرداخت که اکنون حاصل آن را به خوانندگان عرضه می‌دارد.

آینه پژوهش

۲- قضااید للاسلام و الحیة

۳- دیوان علی شاطنی الوجدان

همچنین کتاب «مقالات حول الاسلام» که در ایران به چاپ رسیده است.

کتاب «الحركة الاسلامیه قضایا و هموم» و کتابهای دیگری نیز در حال تألیف است و این روزها مشغول نوشتن شرحی جدید با روشی تازه و نو بر «صحیفه سجادیه» هستم.

آینه پژوهش: در میان بعضی از بزرگان حوزه، این روش وجود دارد که مطالبی را که بر کرسی تدریس و یا خطابه و منبر بیان کرده اند پس از چندی به صورت کتاب درمی آورند. آیا کتاب تفسیر شما هم به همین شیوه تدوین شده است؟

استاد: تفسیر «من وحی القرآن» به این صورت که می فرمایند تألیف نشده است بلکه یک تفسیر مکتوب است که موفق شدم آن را استدلالی و دقیق تألیف کنم؛ بعد از تألیف، بعضی از مضامین آن را به صورت سخنرانی برای مردم ایراد کردم که نوارهای آن هم ضبط شده و موجود است که این سخنرانیها با آنچه تألیف شده بسیار فرق می کند؛ زیرا تفسیر شفاهی به صورت عمومی و همه کس فهم بیان شده است، و طبیعی است که مطالب به گونه ای ساده تر از یک تألیف بیان می شود. تألیف، حسابی جداگانه دارد و تحقیق بیشتری می خواهد.

آینه پژوهش: نظر شما در مورد این گونه تدوین و تألیف که به آن اشاره شد چیست؟

استاد: به نظر من روش تدریس با شیوه تألیف در سبک و محتوا فرق می کند؛ چرا که شیوه تدریس بر شرح و توضیح مطلب، تکیه می کند و بیشتر به باز شدن مطلب می پردازد در حالی که شیوه تألیف بر تفکر، تکیه دارد و همچنین از

اسلوب خاصی پیروی می کند. ممکن است کسی روش سخنوری خاصی داشته باشد که به شیوه تألیف نزدیک باشد، البته همین افراد هم آنگاه که بخواهند مطالب ایراد شده در سخنرانی را به صورت کتاب چاپ کنند بهتر است که یک بازنگری دقیق در مطلب بکنند و تا حد ممکن به تحقیق و تدقیق مطالب بکوشند؛ زیرا حال و هوای سخنرانی و یا حتی تدریس با حال و هوای تألیف فرق می کند.

آینه پژوهش: حضرتعالی فرمودید که در تفسیر قرآن و همچنین شرح صحیفه سجادیه روش نو و تازه ای را برگزیده اید. لطفاً در این مورد بیشتر توضیح بفرمایید؟

استاد: در مورد تفسیر قرآن، من سعی کردم قرآن را در جریان حرکت فکری، سیاسی، اجتماعی و جهادی به صورت تدریجی درک کنم؛ زیرا قرآن از سوی خداوند متعال نیز یک مرتبه و دفعه نازل نشده بلکه به صورت تدریجی و به مناسبتهاى مختلف، نازل شده است به گونه ای که این حالت تدریجی خط سیر حرکت اسلامی و فرهنگ قرآنی را ثابت و استوار می کرد. قرآن تربیت فکری و اخلاقی مسلمانان را به صورت موعظه و جدا از عمل مطرح نکرد بلکه در حرکتهاى جهادی، اجتماعی، سیاسی و فکری با نازل شدن آیات مناسب این کار را انجام می داد. آنگونه بود که مسلمانان در مشکلات خاص و حادى که قرار می گرفتند منتظر کلام الله می شدند تا حکم را بیابند. پیامبر اکرم نیز در ابتدای حوادث، اقدام به حل مشکل نمی کرد بلکه می فرمود من نیز منتظر وحی خداوند هستم. از این رو است که آیات قرآن تنها بیان مجرد نیست بلکه بیانی ناظر به وقایع خارجی و حل مسائل موجود است.

من معتقدم که قرآن را جز افراد فعال و تلاشگر

أجلته ٩
من دور النشر

من وحي القرآن

عبدحسين فضل الله

دار الفکر
طبعة ١٤٠٢ هـ
بيروت - لبنان

برمی گیرد. البته صحیفه سجادیه بیان انسانی پاک است که در محضر پروردگار خویش می نشیند تا تمام مسائل زندگی خود را - چه در زمینه مشکلات و تجربه های شخصی و چه در زمینه مشکلات و تجربه های اجتماعی - با خدا در میان گذارد و پاسخ بطلبد.

آینه پژوهش: لطفاً مقداری راجع به کتاب «القضايا والهموم» و تفاوت آن با کتاب «خطوات علی طریق الاسلام» بیان فرمایید؟

استاد: در این کتاب سعی شده است که مسائل سیاسی به گونه ای مورد بحث قرار بگیرد که پاسخ بعضی از سؤالات داده شود. در مبارزات اسلامی نخستین سؤالی که مطرح می شود شیوه و نوع حرکت و مبارزه است. آیا مبارزه باید تند و پرحرکت باشد و حالت قیام همگانی به خود بگیرد یا باید آرام و معتدل باشد؟

آیا جایز است که در مبارزه با ظلم و حکومت ظالم، با کسانی که ایدئولوژیهای غیر اسلامی یا

نمی فهمند؛ یعنی آنان که با تمام وجود و در همه ابعاد اسلامی در صحنه اند. تمام تلاش من این بوده است که آنگاه که در حرکت سیاسی، اجتماعی، جهادی با مشکلی فرهنگی و فکری و عملی روبرو می شوم از قرآن کمک بگیرم و از این راه سودهای بسیار برگرفته ام. به عقیده من قرآن کتابی است راهنما برای تلاشگران و پویندگان راه خدا و اینان بهره بیشتری از این کتاب مقدس می گیرند تا دیگران. به این جهت نام تفسیر را «من وحي القرآن» نامیدم به معنی الهام گیری از قرآن کریم در تمام زمینه های حرکت اسلامی در جهت بازگرداندن اسلام به صحنه زندگی.

البته سعی شده است که نوعی مقابله بین آنچه از قرآن الهام گرفته می شود با مفاهیم غیر اسلامی دیگر مکاتب، انجام بگیرد تا از این مقایسه مطالب بهتر روشن شود. همچنین در این تفسیر، اختلاف نظرهایی که با بعضی از آرای تفسیری مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر میزان داریم ملاحظه می شود. و اما در مورد شرح صحیفه سجادیه، تمام تلاش من این است که مضامین فکری، نفسانی، عقیدتی و اجتماعی آن را به گونه گسترده و با شیوه ای جدید، تحقیق کنم؛ به این لحاظ فرازهای تریک از ادعیه را به گونه جدا مطرح می کنم و سپس به توضیح و تشریح آن می پردازم. البته در این توضیح، روش دعا حفظ می شود و با همین روش مطالب بیان می گردد. آنچه حضرت در این مضامین می فرمایند به زبان دعاست. افزون بر تلاش در حفظ زبان دعا، کوشش می کنم که با معانی و مفاهیمی که از خود دعا و عبارتهای آن درک می کنم به توضیح و تشریح آن بپردازم. سعی می شود که از خلال عبارتها، مفاهیم کلی اسلامی را بیان کنم. عبارتها به گونه ای بیان می شود که بسیاری از جنبه های حیات انسانی را در

محمد حسین فضل الله

خداوند
صلی
طریق
الاسلام

دارالافتاء
الاسلامیہ
کربلا

ضد اسلامی دارند و یا ملی گرا هستند اما در مبارزه با ظلم با مشترك هستند، همکاری کنیم. اگر جایز است شیوه برخورد و نحوه همکاری چگونه است؟ همچنین در این کتاب دو گونه تفکر سیاسی و مبارزاتی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است: یکی تفکر حزبی؛ یعنی تفکری که بعضی از مسلمین بر اساس آن می اندیشند و عمل کرده و می کنند؛ مانند اخوان المسلمین، فدائیان اسلام، حزب الدعوة الاسلامی، حزب التحریر الاسلامی و احزاب اسلامی دیگری که در عالم اسلام وجود دارد، و دیگری، شیوه تفکر و عمل سیاسی «حزب الله» است که حضرت امام خمینی - رضوان الله تعالی علیه - در نهضت و قیام خود بر آن تکیه داشت.

گرایشهای اسلامی بر فرهنگ شیعی وارد می شود. با کمال تأسف گاهی نپختگی ما نیز به این گونه مسائل دامن می زند. من تصور می کنم علمای شیعی با تمام توان خود باید بکوشند تا این مشکل بر طرف شود. ما نباید در تحقیقات خود از فرهنگ شیعی تنها به توضیح عبارتها و معنی کلمات مشکل پردازیم، بلکه باید به توضیح و تشریح مواردی پرداخت که می تواند شبهه انگیز باشد و فرهنگ تشیع را خدشه دار کند؛ چرا که ما در بعضی از منابع، مواردی داریم که می تواند مورد سوء استفاده و غرض ورزی قرار گیرد. ما باید در مقدمه آثار تحقیقی خود به این حقیقت اشاره کنیم که کتابهایی از قبیل کافی، بحار، بصائر الدرجات و یا هر کتاب روایی دیگر در نظر شیعه صد در صد درست و خدشه ناپذیر نیست، به گونه ای که در آن هیچ حرفی نباشد چون اینها کتابهایی هستند که ممکن است فقیه در مراجعه به آنها بعضی از روایات آن را به کلی رد کند ما باید توضیح دهیم که شیوه بررسی و تحلیل حدیث نزد فقها و متفکران بزرگ

امروزه سؤال این است که ما در فعالیت اسلامی از کدامین شیوه تبعیت کنیم؟ در بحث ما سعی شده است که تا حد ممکن به نقاط مثبت و منفی هر کدام از این دو روش نگریسته شود. آنجا بحث به گونه ای پیش می رود که ما را مواجه با این سؤال می کند: آیا ممکن است از هر دوی این فرم تفکر و عمل سود جست به گونه ای که هر کدام دیگری را کامل کند؟ این امور در کتاب «خطوات علی طریق الاسلام» مورد بحث قرار نگرفته بود، اما در کتاب «القضايا و الهموم» بحث شده است.

آیند پژوهش: با توجه به اطلاعات خوب حضرت تعالی از عالم نشر کتاب و مقالات بویژه در فرهنگ تشیع در حال حاضر چه موضوعاتی را برای تحقیق و پژوهش مناسب می دانید؟

استاد: از جمله مشکلاتی که فرهنگ شیعی در میدان مبارزات فکری و فرهنگی با آن روبروست، وجود تهمت‌های گوناگونی است که از ناحیه گروه‌هایی از قبیل وهابیه و حتی برخی از

اوضاع سیاسی و اجتماعی روزگار است، کمتر سخن به میان آمده است. همچنین به نقش اصحاب ائمه که در صحنه مبارزات نزدیک به آنها بوده اند توجه لازم نشده است؛ مثلاً وقتی تاریخ زندگی حضرت زهرا - س - را در کتابی حجیم همچون بحار الانوار، مطالعه می کنیم می یابیم که درباره ازدواج و زفاف آن حضرت مطالب بسیاری آورده شده است و از آسمان و زمین سخن می گوید ولی وقتی به زندگی آن بانوی بزرگوار و روابطش با پیامبر اکرم - ص - و فعالیتهايش در مکه و مدینه می رسد، جز چند حدیث بسیار کوچک چیزی به دستمان نمی دهد.

هنگامی که احادیث وارده مربوط به شخصیت فردی ائمه معصومین را با احادیثی که مربوط به تاریخ جهادی و سیره عملی آنان است، مقایسه می کنیم، وضع از همین قرار است. این حالت را در مطالعه و بررسی زندگی ائمه متأخر مثل امام جواد و امام هادی و امام عسکری - ع - بیشتر مشاهده می کنیم و در اینجا کمبود فوق العاده است. بطوری که نمی توانیم تصویری روشن و مفصل از شخصیت این ائمه از رهگذر نوشته های تاریخی به دست آوریم.

در بررسی این تاریخ به انبوهی از احادیث برمی خوریم که جدا کردن احادیثی که بیانگر چهره واقعی و درخشان ائمه و ویژگیهای حقیقی آنان است، از قضایای منقوله ای که سیمای آنان را زشت و مشوه کرده است، دشوار به نظر می رسد؛ مثلاً در موضعگیری بعضی از ائمه و بطور مشخص در سیره امام صادق و امام کاظم - ع - در قبال خلفای وقت احادیثی یافت می شود که به هیچ وجه با مقام ائمه و حتی با اسلوب تقیه سازگاری ندارد؛ زیرا فقیه - همچنان که ائمه معصومین به ما یاد

شیعی به بررسی سند محدود نمی شود بلکه تحلیل متن و مقایسه مفاهیم آن با قرآن کریم نیز انجام می شود؛ اگر مفهوم و محتوای روایتی با قرآن کریم مخالف باشد رد می شود ولو آن روایت از نظر سند مشکلی نداشته باشد. از باب نمونه در این مسأله باید دقت و تعمق کافی کرد که برتری ائمه شیعه بر انبیا - که در بعضی از روایات مطرح شده است - آیا با اصول اساسی اسلام مخالفت دارد یا نه. همچنین در مورد تحریف قرآن یا ولایت تکوینی که از جمله مسائلی هستند که در عالم اسلام، جدلها و مباحثات فراوانی برانگیخته است.

اینها مسائلی هستند که باید به خوبی تحقیق شود. اگر ما نتوانیم نسبت به این گونه مسائل شبهه ناک، تحقیق خوب و قابل عرضه ای داشته باشیم، طبیعی است که دیگران حرفهایی مطرح می کنند از قبیل اینکه شیعه، مذهبی منحرف از اصول اساسی اسلام است.

آینده پژوهش: آیا عقیده ندارید که تاریخ شیعه نیاز به بازنویسی دارد؟^۱

استاد: وقتی سخن از تاریخ شیعه می گویم، تصور می کنیم، مشکل بزرگی در این باره وجود دارد. این تاریخ به گونه ای علمی و تخصصی و با بهره گیری از موازین صحیح تشخیص خطا از صواب و سره از ناسره نوشته نشده است و در آن نوعی خلأ احساس می شود به صورتی که هنگام بررسی تاریخ ائمه - ع - می بینیم نویسندگان آن بیشتر به مسائل غیبی و جنبه های ماورایی شخصیت ایشان پرداخته و معجزاتی را که از آنها نقل کرده اند بیشتر در این مورد است و از جنبه های دیگر شخصیت این بزرگان، غفلت شده است. و نیز از جنبه های مبارزاتی آنان، که ترسیم کننده سیره عملی آنها و بیانگر نوع رابطه آنان با حوادث و

داده اند. موارد و معیارهایش مشخص است و لکن در مطالعه احادیثی که به ما رسیده و غالباً هم غیر موثق است، چیزهایی می بینیم که از این معیارها بسیار دور است، بلکه نشانگر حالتی از ضعف و ناتوانی در آن بزرگواران است، به گونه ای که انسان نمی تواند با شیوه ای محترمانه با آنان برخورد کند. از این رو من خواهان پاکسازی تاریخ ائمه هستم؛ تاریخی که نشانگر عمق و اصالت حرکت شیعه و اساس و مبنای تفکر آنان است. این کار به مرجعیت دینی و رهبری شیعه، مجال می دهد که در پرتو هدایت ائمه و با الهام گیری از زندگی سیاسی، اجتماعی آنان دنیای کنونی تشیع را بهتر از پیش رهبری کند.

ما تمامی اندیشوران شیعی را به بازنویسی و پاکسازی این تاریخ دعوت می کنیم، تا وقتی که خواننده ای آن را می خواند هیچ گونه تضاد و تنافری بین معتقدات و باورهای شیعه نسبت به ائمه و بین وقایع و قضایای زندگی و سیره عملی آنها نیابد. باید سعی کنیم قضایای سرنوشت ساز و حیاتی و حساس زندگی آنها را به تفصیل پیگیری کرده به گونه ای که چهره حقیقی شخصیت آنان دور از جنبه های غیبی و ماورایی برای ما ترسیم گردد. البته منظور ما آن نیست که بکلی از جنبه های ماورایی و معنوی شخصیت آنان چشم پوشیم و لکن به گمان ما جنبه های غیبی، زمینه اصلی و جانب اساسی شخصیت آنها نیست. به همین خاطر می بینیم که قرآن مجید وقتی به تحلیل زندگی پیامبر اکرم - ص - و انبیای الهی می پردازد به جنبه های غیبی کار ندارد بلکه سیره عملی، واقعیت های زندگی، نحوه تفکر و تحرک و تلاششان، همچنین اصول و مبنای دعوت و تبلیغ آنها را مطرح و معرفی می کند.

ما در بررسی تمام قرآن به این واقعیت پی

می بریم که هدف آن است که شخصیت پیامبر در ذهنیت مردم به عنوان کسی مطرح گردد که ایمان به او و پیامبریش مبتنی بر رابطه استوار آن حضرت با خداوند و شایستگیهای ذاتی و عناصر ارزنده نهفته در شخصیت خود اوست. در این زمینه هیچ چیز غیبی و ماورایی مطرح نیست. البته همان گونه که قبلاً گفتم، باز هم تأکید می کنم هدف ما نادیده انگاشتن مسائل غیبی نیست، چرا که ایمان به غیب از جمله باورهای ماست بلکه منظور این است که خداوند به این بعد از هستی، نقشی حاشیه ای و کوچک - حتی در زندگی انبیاء و ائمه - داده است. و این مسأله حاشیه ای نباید همه چیز را تحت الشعاع خود قرار دهد. این نکته ای است که دقیقاً باید مورد توجه قرار گیرد.

شاید کسی بگوید چگونه ممکن است که این نقص را در تاریخ شیعه، جبران کرد، و حال آنکه تاریخ جز همین قضایای محدود در خصوص زندگی ائمه - ع - چیزی برای ما بر جای نگذاشته و اندیشه جامعی به ما ارائه نداده است؟

نخست باید بگوییم که علت فقر فعلی تاریخی مادر این خصوص، شاید این بوده که مورخان همه اهتمامشان همین جنبه غیبی بوده و به جنبه های دیگر کاری نداشته اند؛ زیرا به گمان آنان از رهگذر تأکید بر این جنبه خاص زندگی ائمه آنان بیشتر می توانستند بر مقام امامت آنان اصرار بورزند.

تصور من این است که ما می توانیم این نقیصه را به این شکل جبران کنیم که همه سخنان فقهی، فلسفی و اخلاقی ائمه و همه سخنان ویژه ای را که به مردم فرموده اند و در کتابهای اربعه و کتابهای دیگر حدیثی و تاریخی و فقهی گردآوری شده است، دقیقاً بررسی کنیم، آن وقت خواهیم دید که این احادیث در آگاهی تاریخی شیعه به گونه ای وارد نشده است که روشنگر نقاط تاریک شخصیت ائمه

باشد؛ مثلاً در بررسی احادیث مربوط به امام زین العابدین -ع- می بینیم که تاریخ فقط از دعا‌های آن حضرت و بعضی نکات اخلاقی و نیز بردگانی که آن حضرت آزاد نموده است، سخن به میان آورده و دیگر هیچ. در صورتی که امام زین العابدین شخصیتی است که در آن برهه خاص زمانی توانسته است از رهگذر تربیت شخصیتی که در محضرش تلمذ نمودند بر تاریخ فرهنگ اسلامی تأثیر فراوان بگذارد و ما می توانیم با تحقیق و بررسی اسامی و زندگی علمی این شاگردان به این مسأله پی ببریم. آن حضرت، از طریق کسانی که در آن زمان در محضرش، درس خواندند و به موقعیتهای علمی و فکری دست یافتند استاد آن دوره تاریخ اسلام است. و نیز به دست می آوریم که امام زین العابدین -ع- سخنان بسیار ارزنده و راهگشایی دارد که بسیاری از مسائلی را که امروزه در صحنه های نبرد اندیشه و تفکر مورد بحث و گفتگو است؛ مثل مسأله قومیت و ناسیونالیسم، حل خواهد کرد.

ما می توانیم کلمات ائمه را به اعتبار اینکه بیانگر اندیشه و تفکر آنان نسبت به مسائل مختلف، و روشنگر بسیاری از موضوعگیریه‌ها و برخوردهای آنان با مردم عصر خودشان است، وارد تاریخشان کنیم.

وقتی تاریخ امام باقر -ع- را بررسی می کنیم درمی یابیم که نویسندگان تاریخ مثل شیخ مفید و دیگران امام باقر را به عنوان یکی از گسترده ترین منابع تاریخی خود تلقی نموده اند. در تاریخ طبری هم وقتی سخن از حوادث تاریخی مربوط به دوره قبل از امام باقر به میان می آید، سخنان امام باقر نقل می گردد و او به عنوان موثق ترین منبع تاریخی به شمار می رود. و لکن مردم فسقط طبری را می شناسند و به او اشاره می کنند نه به مصادر و منابعش.

در بررسی کلمات و احادیث ائمه در زمینه های مختلف باید چند نکته را مد نظر داشته باشیم و آنها را ترسیم کننده ویژگیهای فکری شخصیت آنان بدانیم. البته هیچ مانعی ندارد که همین ویژگیها را در انبیا هم سراغ داشته باشیم.

وقتی می گوئیم ائمه معصومین در ارتباط با خدا و عالم غیب هستند و از آنجا الهام می گیرند، بدین معنی نیست که اینان دارای ویژگیهای فکری خاصی هستند که در نهایت با دیگران تفاوت دارند و خصوصیات فکری آنان فقط خصوصیات اسلامی باشد و چیز دیگری به همراه نداشته باشد، چرا که همه اینها مانع از این نیست که آنان دارای ویژگیهای فکری و شایستگی های فردی هم باشند. ما در بررسی گسترده سخنان و احادیث ائمه -ع- می توانیم تاریخشان را از این جهت هم کامل نماییم. وقتی بخواهیم شیعه را در این راستا مورد بررسی قرار دهیم باید حرکت تشیع، نقطه شروع و چگونگی آن و عوامل مختلفی که رهبران و رجال شیعه و دیدگاههای آنان نسبت به امور تأثیرگذار بوده است مورد شناسایی و تحقیق قرار دهیم.

در بررسی تاریخ شیعه و احادیث ائمه؛ مثلاً احادیثی که راجع به مسأله «آخر زمان» است، می توانیم این گونه برداشت کنیم که نوعی حالت انفعالی بر عده ای از پیروان این مکتب سایه افکنده بوده است، به گونه ای که تلاش می کرده اند قبل از موعد دست به انقلاب بزنند، که نتیجه چنین کار نپخته ای، هدر رفتن نیروها و امکانات و سرخوردگی و یأس بود. در همین راستا می توانیم سخنان ائمه -ع- را در مورد امام قائم قبل از اینکه به دنیا بیاید و در مورد آخر الزمان و پیروزی نهایی تفسیر نماییم. این سخنان نشانگر نوعی شیوه سیاسی بوده که با هدف بالا بردن روحیه شیعیان بیان می شده است. سخنی از علی ابن یقظین نقل

شده که می گوید:

«ما زالت الشيعة يترجعون بالاماني»؛ شیعیان پیوسته امیدوار بوده اند. البته این امیدها بیهوده و تخیلی نبوده است بلکه سرچشمه از حقیقت گرفته و مبتنی بر سخنان ائمه معصومین -ع- می باشد. آنان این امیدها را در زمانی که ناامیدیها بر جهان اسلام، سایه افکنده بود، برمی انگیزتند تا موقعیت شیعیان را تثبیت کنند و از فروپاشی تشکل آنان جلوگیری نمایند؛ به این منظور که در آینده نیروی فراهم آورده و از موضع قدرت با مسائل برخورد نمایند.

خلاصه اینکه: باید ویژگیهای همه موضوعگیرهای شیعه را در مقاطع مختلف بررسی نموده و برخوردهایش را با جوامع گوناگون و تأثیری که بر جامعه اسلامی داشته اند، جنبشهایی که در راستای اهداف شیعه و یا به عنوان و نام شیعه در این جوامع پا گرفته همه را تحلیل نماییم سپس تلاش کنیم که به مسأله مرجعیت و رابطه آن با آگاهی و شعور تاریخی شیعه نسبت به امامت و مسائلی از این قبیل پردازیم. همچنین مجموعه حرکت‌های مراجع شیعه و مقدار اثر پذیری آن از عوامل واپسگرایانه یا عوامل اصیل و مکتبی باید دقیقاً مورد ارزیابی قرار گیرد.

ما معتقدیم که تاریخ شیعه را باید از نو نوشت، و در این راستا معنای تشیع را در تاریخ اسلام تبیین کرد، تا تشیع فقط عنوانی نباشد که در ویرین نهاد و همه واقعیت‌های زندگی از آن دور باشد. حتی اثرات مثبت و منفی تشیع در آگاهی و ذهنیت تاریخی شیعه و نیز جنبه‌های منفی ای که گریبانگیر همه جوامع شیعه مذهب در جهان بوده، بطوری که بسیاری، شیعه بودن را فقط احساس انفعال نسبت به مصیبت‌های اهل بیت یا ذکر فضایل آنان دانسته اند، باید بررسی شود، تا معلوم گردد

این گونه برداشت دور از حقیقت اسلام است. اگر تاریخ شیعه را با این حجم و به این شیوه و در این راستا بررسی کنیم، می توانیم بسیاری از نقاط ضعف را - که همچنان بر ذهنیت و تفکر معاصر، حاکم است - کشف کنیم و به نقاط قوت تبدیل نماییم. و نیز بر نقاط قوتی که در گذشته وجود داشته افزوده تا حجم عظیمی از تواناییهای این مکتب را به نسل حاضر و نسلهای آینده ارائه دهیم. **آینه پژوهش: به نظر شما محققینی که می خواهند آثار فرهنگ اسلام را تحقیق کنند باید چه ویژگیهایی را دارا باشند.**

استاد: نخست باید فرهنگ اسلام و شریعت اسلامی را خوب بشناسند و به ظرایف این مکتب آشنایی و تسلط کامل داشته باشند؛ چرا که تحقیق در آثار فرهنگ اسلامی تنها به شکل ظاهری آن ختم نمی شود و جدای از استخراج منابع و مآخذ و تعیین نسخه بدلها و دقت در املا و رسم الخط بر روی محتوای آن هم باید دقت کرد، و آن را در مجموع فرهنگ اسلامی بررسی کرد و شناخت. برای این گونه شناخت باید به فرهنگ کلی اسلام و عقاید فرق گوناگون مسلمین آشنایی کامل داشت.

اما در مورد پژوهشگرانی که می خواهند در مورد عقاید شیعه تحقیق و بررسی کنند، باید سرمایه علمی و اطلاعات کافی از مجموع فرهنگ اسلامی داشته باشند و جدای از این، خود فرهنگ شیعه و ویژگیهای آن را به دقت کامل بشناسند؛ چرا که درک بسیاری از مفاهیم شیعی بدون شناخت دقیق مجموع این فرهنگ امکان ندارد. خط فکری ائمه شیعه را شناختن و با حال و هوای این بزرگان آشنایی کامل داشتن برای چنین محققینی از ضروریات اولیه است. مطلب دیگری که نباید از نظر دور داشت این است که امروز حرکت و سیر فرهنگی دنیا شتاب و سرعت به خصوصی یافته

کتاب جزء متون درسی تلقی شود روش چندان درستی نیست و تأسف آور است که اگر ما بر ادامه این روش اصرار داشته باشیم؛ امروزه به مسأله آموزش از زوایای مختلفی نگریسته می شود و با ویژگیهای متفاوتی به آن می پردازند.

با تمام قداستی که برای علمای پیشین قائل هستیم و با تمام بار و محتوایی که آثار این بزرگان دارد؛ آنچه امروز ما به آن نیازمندیم تنها آتی نیست که ایشان فراهم آوردند. مسائل امروز ما با آنچه ایشان درگیر بودند بسیار متفاوت است. و علاوه بر این، زوایای نگرش به مسأله آموزش امروز زوایای دیگری است. من معتقدم که ضرورت دارد کمیته ای از علما و متخصصین برای تألیف کتاب و متن آموزشی حوزه ها تشکیل شود. و اعضای این کمیته غیر از تخصص رشته های درسی، مسائل آموزشی دنیای امروز را هم خوب بدانند و همچنین بتوانند به دیگران بفهمانند که کنار گذاشتن یک سری از کتابهای قدما و برگزیدن متون جدید آموزشی به معنای بی توجهی به بزرگان نیست. هنوز می بینیم کتاب اللمعه «الروضة البهیه» یا کتاب الشرایع جزء متون درسی حوزه هاست؛ گرچه این دو کتاب اهمیت زیادی دارد، لکن مبتنی بر اصول و نیازها و نگرشهایی است که زمان، آنها را پشت سر گذاشته است و نیز از دستاوردهای اصولی و اندیشه ای چند قرن اخیر بی بهره است. بر همگان روشن است که اصولی که در زمان مرحوم شهید اول و شهید ثانی وجود داشته با اصول کنونی مغایرت دارد.

دیگر اینکه: هنوز در حوزه ها اهمیت زیادی به فراگرفتن منطق صوری که همان منطق ارسطویی است می دهند؛ منطقی که دیر زمانی است عمر آن گذشته و هیچ طلبه ای نیازمند فراگیری آن همه قواعد مربوط به صورت تعریف و استدلال نیست.

است؛ از ناحیه این شتاب، فرهنگ اسلامی و شیعی نیز متأثر است ما در این مورد نیز باید هوشیار باشیم و بتوانیم به اقتضای مسائل زمان، گام برداریم. اگر در این زمینه کوتاهی و سستی داشته باشیم از جریان فرهنگی عقب خواهیم ماند و حرف ما چندان به گوش نخواهد رسید.

البته این واقعیت را هم باید به خاطر داشته باشیم که امروزه بیش از هر زمان دیگر ما به وحدت میان فرق مسلمین نیازمندیم. و در زمینه کار فرهنگی و تحقیقاتی نیز باید این وحدت حفظ شود؛ یعنی در جهت ارائه مشترکات اصولی و زیربنایی تلاش بشود و حتی المقدور از طرح مسائل اختلاف برانگیز که سودی جز برای دشمنان اسلام ندارد پرهیز گردد. مفاهیم فرهنگی شیعی نباید به گونه ای برداشت و ارائه گردد که از شیعه یک اقلیت منزوی در میان جمع مسلمین بسازد، مفاهیم باید حتی المقدور آن گونه اساسی و مطابق روح کلی مکتب اسلام بیان شود که مسلمین یکپارچه و با اصول کلی واحدی جلوه کنند تا عظمت و عزت پیشین به ایشان باز گردد.

آینده پژوهش: در زمینه ارائه فرهنگ اسلامی مسئولیت حوزه های علمیه را چگونه ارزیابی می کنید؟

استاد: در نظام آموزشی حوزه های علمیه، آنچه در ابتدا جلب توجه می کند علم فقه و علم اصول است. به عقیده من یک آشفتگی پر خسارتی در زمینه گزینش متون این دو علم، در حوزه ها به چشم می خورد؛ چرا که برای انتخاب این متون، کمیته ای در حوزه ها وجود ندارد که آنان از اصول روان شناسی آموزشی و اقتضائات و ضروریات زمان و دیگر ظرافتهای لازم اطلاعات کافی داشته باشند. اینکه کتابی از تألیفات یکی از بزرگان حوزه توسط عده ای درس داده شود و به مرور زمان آن

او می تواند با یک جزوه کوچک و مختصر با اصطلاحات این منطقی آشنا شده و بعد منطقی استقرایی را بیاموزد. اگر ما می خواهیم افراد رشد کنند و اندیشه منطقی بیابند و در این زمینه قوی بشوند باید منطقی را به آنان بیاموزیم که خود را به تمام واقعیت های زندگی عرضه کرده است؛ منطقی که ارزش علمی زیادی دارد.

بنابراین یک نیاز ضروری و حیاتی حوزه، بازنگری در اصول و متون آموزشی آن است که باید با دقت تمام و هر چه زودتر انجام پذیرد.

از سوی دیگر حوزه های علمیه به بسیاری از دانستیها و علوم دیگر نیازمندند که باید به آن اهمیت داده شود و به عنوان درس و بحث رسمی حوزه ها درآید. با نهایت تأسف ما چندان به این امور، اهمیت نمی دهیم. و از این تأسف آورتر این است که حتی اکنون درس تفسیر قرآن موقعیت لازم را در حوزه های علمیه ندارد. یا چنین درسی گفته نمی شود و یا اگر عده ای آن را می آموزند هیچ گاه آن را به عنوان یک درس رسمی که موفقیت آنان در حوزه بر آن متوقف باشد به حساب نمی آورند؛ در حالی که قرآن، زیربنای تفکر و فرهنگ اسلامی ماست و آشنایی عمیق با آن، از اولویتهای این فرهنگ است.

چرا نباید در حوزه، درسی داشته باشیم که محتوای احادیث را مورد بررسی قرار دهد و به تعمق در محتوای احادیث پردازد؛ آن گونه که علم رجال در سند حدیث دقت می کند ما به علم «درایة الحدیث» نیاز داریم که در محتوای آن کاوش و تحقیق کند. تا متن و محتوی حدیث را بخوبی بفهمیم. این نقص بزرگی است که کسی به درجه اجتهاد برسد اما یک دور کامل احادیث را بررسی دقیق نکرده باشد و هنگام اجتهاد در یک باب، تنها به احادیث همان باب اکتفا کند. این گونه تحقیق،

یک دید کامل و همه جانبه به دست نمی دهد. و این نقص بزرگ و غیر قابل جبران برای فرهنگی اسلامی به وجود می آورد؛ چه بسا احادیث و روایات زیادی که مربوط به باب معینی نیست اما برای فهم زیادی از ابواب فقه و زوایای فرهنگ اسلامی کار سازند. باید به این گونه احادیث توجه بیشتری کرد و آنها را خوب شناخت.

همچنین عالمان دینی امروز در درجات مختلف حالت رهبری پیدا کرده اند و باید به راهبری امت اسلامی بپردازند. و این مهم انجام نمی شود مگر آنکه آنها دیدگاههای وسیعی در خصوص شناخت جهان معاصر در زمینه فرهنگی، سیاسی، اقتصادی داشته باشند. از این رو در برنامه ریزی علمی و آموزشی حوزه ها باید نگرشی تازه داشت و به گونه ای که طلبه، جامعه شناسی، روان شناسی، اقتصاد، تعلیم و تربیت و از این قبیل را خوب و دقیق بداند.

ضروری است که حوزه ها بر اساس دیگرگونی نیازهایی که در زمینه تبلیغ اسلام در دنیای کنونی ایجاد شده تغییر نظام آموزشی و تربیتی بیابند و برای فعالیت فکری و راهبری فرهنگی مردم این زمان آماده شوند.

آینة پژوهش: با توجه به جو حاکم بر اوضاع سیاسی و اجتماعی لبنان فعالیتهای فرهنگی و علمی آن را چگونه می بینید؟

استاد: اولین مسأله قابل توجه در خصوص کشور لبنان این است که علی رغم سالیان طولانی جنگ و نابسامانیهای ناشی از آن، توانست حتی در شدیدترین حالات، مسیر فرهنگ خود را پیماید. البته طبیعی است که جنگ و توابع آن فعالیتهای فرهنگی را محدود کرد اما این فعالیتها چه در حوزه فرهنگ اسلام و چه در حوزه دیگر فرهنگها متوقف نشد و این خیلی خوب و امیدوار کننده است. اگر

مرحله کنونی که ما در آن واقع هستیم منتهی به یک صلح و ثبات پایدار در لبنان بشود قطعاً این فعالیتها سرعت و عمق بیشتری خواهد یافت؛ چرا که در صلح و آرامش، اندیشه ها عمق بیشتری را خواهند پیمود و به ژرفای بیشتری دست خواهند یافت. باید توجه داشته باشیم که لبنان یکی از مراکز نشر و انتشار فکر و اندیشه در کل منطقه خاورمیانه است و این به لحاظ وجود فرهنگهای گوناگون و باز بودن دروازه های آن به روی کل فرهنگهای دنیا و معارف بشری است. در اینجا موقعیت و مسؤولیت علمای مسلمان و شیعی سنگین است؛ زیرا که آنان باید بتوانند به گونه ای عمل کنند که در آینده فرهنگی لبنان جایگاه ویژه ای داشته باشند و از این جایگاه ویژه با دیگر فرهنگها و مردم دنیا ارتباط برقرار کنند. در لبنان زمینه کار، بسیار خوب و فراوان است منتهی باید با نظم و سازمان خاصی کار کرد.

آینده پژوهش: با توجه به نبرد سنگین و همه جانبه ای که فرهنگ سلطه و استکبار جهانی علیه فرهنگ اسلام آغاز کرده است چه راههایی را برای مبارزه با این هجوم گسترده پیشنهاد می کنید؟

استاد: امروزه استکبار جهانی می کوشد تا فرهنگ خود را از طریق ابزار و وسایل فرهنگی مدرن و فراوانی که در اختیار دارد به کل جهان - از جمله جهان اسلام - تحمیل کند، و برای ما مسلمین به لحاظ خطری که برای او داریم حساب جداگانه و ویژه ای باز کرده است.

از جمله تلاشهایی که استکبار خیلی به آن دل بسته و به نتیجه آن امیدوار است سرمایه گذاری در خصوص نظام آموزشی دانشگاههاست؛ او می کوشد همراه با تغذیه علمی دانشگاهها فرهنگ خود را نیز به آنان تحمیل کند و از این طریق به حاکمیت فرهنگ خود بر کل جهان می اندیشد.

جای هیچ گونه انکار نیست که جهان اسلام به هر لحاظی که تصور شود در این زمینه عقب است. سالیان درازی است که ما از نظر سیاسی، اقتصادی، علمی، فرهنگی تحت تأثیر تصمیم گیریهای آنان زندگی می کنیم و این بسیار خطرناک و مضر است. امروز که - بحمدالله و له المنة - نسیم بیداری بر مسلمین عالم وزیدن گرفته است و تحرك جدید، می رود تا آنان را از این اوضاع اسفبار برهاند؛ تلاش سخت و پیگیری لازم است و این تلاش در تمام زمینه های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ضروری است؛ چون ما هر چه از نظر سیاسی آزاد شویم آزادی فرهنگی بیشتری خواهیم داشت و یکی از ارکان آزادی سیاسی آزادی اقتصادی است. یک اقتصاد بیمار و تک بعدی وابستگی سیاسی و فرهنگی را به دنبال دارد و در این صورت خیلی از آملها و آرزوها امور واهی، می شوند. امیدواریم که نهضت بیداری اخیر، متفکران مسلمان را بر آن دارد تا به مسؤولیتهای خود در خصوص فرهنگ و کیان اسلامی بیشتر بیندیشند و برنامه های جدیدی برای رشد و پویایی دوباره مسلمین طراحی کنند.

انقلاب اسلامی ایران توانست برای مسلمانان آزادی فکری و روحی به ارمغان آورد و به آنها فهماند که می توانند دارای نظام فکری مستقلی باشند و بر اساس فرهنگ اسلامی می توانند نهاد یک زندگی پرتحرك و پویایی را بنا نهند البته این کار زمان طولانی و تلاش بسیار می خواهد که باید به آن پرداخت.

آینده پژوهش: با توجه به همکاری زیاد شما با مجله «الاضواء» و مجله «جماعة العلماء» و تجربیات فراوانی که در این زمینه دارید چه رهنمودی برای ادامه کار ما دارید.

استاد: اعتقاد من بر این است که ارزش هر

مجله و نشریه ای که منتشر می شود به میزان پاسخ گویی به نیاز جامعه در زمینه کار خود است. موضوعاتی که در مجله و نشریه مطرح می شود نباید موضوعات جدا از زندگی و نیازهای فرهنگی و فکری مردم باشد. ما باید به مسائلی که پیرامون ما می گذرد و همچنین مسائل جهانی توجه و آشنایی داشته باشیم. اگر سردبیران جراید و نشریات در خود فرو روند و فقط با پندارهای عقلانی خود زیست کنند، نشریه آنها جدا از مردم شده و به درد جامعه نمی خورد. ما نباید تنها مسائلی را که در عالم ذهن خودمان می پروریم مطرح کنیم، چه بسا نیاز جامعه و فرهنگ مردم ما چیز دیگری را طلب کند. کسانی که بر جراید و نشریات اشراف دارند باید جلوتر از زمان حرکت کنند و آفاق فرهنگ و مسائل فرهنگی را به مردم بشناسانند. در جا زدن و فقط به مسائل خاصی اندیشیدن آنان را متوقف و جامعه را بر ایشان پیشی می دهد. و آنگاه است که حرفها کهنه و تکراری خواهد شد. شناخت نیازمندیهای زمان و دگرگونیهای عصر و اقدام مناسب برای ارائه پاسخ مقتضی از ضروریات یک نشریه است. باید به گونه ای عمل کرد که مردم همیشه نیازهای دائمی خود را در مجله بیابند، البته هر نشریه مطابق موضوع خود رفع نیاز می کند.

من بسیار خوشنودم که امروز حوزه ها به قلم توجه بیشتری دارند تألیفات زیاد و انتشارات مجله در فرهنگ اسلامی نشان می دهد که حوزه های علوم دینی و اندیشمندان مسلمان به تبلیغات قلمی و نوشتاری توجه دارند.

خداوند متعال ما را فرمان داده است که «ادعوا الی سبیل ربک بالحکمة» مطابق حال مخاطب سخن گفتن نیز مصداقی از سخن حکیمانه است. حال مخاطب امروز را دانستن نیاز به پژوهش در

فرهنگ و اندیشه و شرایط زیست و زندگی آنان دارد.

اگر بخواهیم با دید همه جانبه در فرهنگ اسلامی کاوش کنیم تا راه حل مسائل و مشکلات انسان امروز را بیابیم، باید به زبان نشر و انتشار آن بیندیشیم و آن را خوب فراگیریم. در این راستا استفاده از امکانات تبلیغی مدرن دنیا برای ما ضرورت دارد، که باید به آن توجه کامل داشته باشیم. همچنین بد نیست در اینجا تذکر بدهیم که دانستن زبان بین المللی برای حضور در مجامع علمی و فرهنگی دنیا بسیار ضروری است. جدا از زبان عربی که زبان فرهنگ اسلامی است دانستن زبان انگلیسی هم برای ما لازم است.

در خاتمه عرض می کنم که به نظر من روزگار آسایش و راحتی به سر آمده و دوران فراغت به پایان رسیده است. امروز ما نیازمندیم که بر اوقات کاری خود بیفزاییم و تلاشهایمان را دو چندان کنیم تا بتوانیم رسالت خویش را به انجام رسانیم؛ چرا که رسالت خود را بدون حضور خوب در سطح فرهنگ و تفکر دنیا نمی توانیم انجام دهیم و چنین حضوری زحمت و تلاش زیاد اندیشمندان مسلمان را می طلبد.

آینه پژوهش: در پایان، ضمن عرض تشکر و سپاس مجدد، برای شما آرزوی توفیق روزافزون و طول عمر داریم.
استاد: خداوند مددکارتان باد.

پی نوشت:

۱. یادآوری می شود که این سوال و پاسخ آن از مجله الموسم ترجمه شده است.